

# ایران و امنیت ملی آمریکا (1324 . 1357)

دکتر مصطفی ملکوتیان 1

تاریخ دریافت: 7/ 8/ 80

تاریخ تایید: 4/ 10/ 80

موقعیت و اهمیت استراتژیک ایران در مقاطع مختلف تاریخی باعث طمع کشورها و قدرت های بزرگ منطقه ای و جهانی برای نفوذ یا سلطه بر این کشور بوده است. این مقاله بر آن است تا به تفکیک، دکترین ها و خط مشی های روسای جمهوری آمریکا در مورد ایران از بعد از جنگ جهانی دوم تا پیروزی انقلاب اسلامی را معرفی نماید.

**واژه های کلیدی: دکترین، امنیت، شاه، ترومن، آیزنهاور، کندی، نیکسون و کارتر.**

## مقدمه

امنیت ملی بخشی تفکیک ناپذیر از منافع ملی هر کشوری را تشکیل می دهد؛ از این روست که منافع ملی به معنای ((بهترین چیزها برای ملت در رابطه اش با سایر دولت ها))<sup>2</sup> تعریف شده است. ایران به دلایل مختلف در دوره های پیاپی تاریخی دارای اهمیت و موقعیت استراتژیک بوده است؛ زمانی به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم که راه ارتباطی اروپا با مرکز و شرق آسیا بود و زمانی به علت قرار داشتن بر سر راه اروپا به شبه قاره هند که مدت ها مورد منازعه دولت های انگلیس، روسیه و فرانسه بود و در دوره پیش از انقلاب اسلامی، به سبب وجود ذخایر عظیم انرژی در منطقه خلیج فارس و ایران<sup>3</sup> و قرار گرفتن آن در سراسر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز و همسایگی با اتحاد شوروی که در زمان جنگ سرد برای صدور ایدئولوژی مارکسیستی تلاش می کرد.

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا با توجه به قدرت نظامی و اقتصادی خود به عنوان قدرت برتر، جانشین اروپایی ها در بسیاری از مناطق جهان از جمله خاورمیانه و ایران شد. موقعیت استراتژیک و منابع غنی طبیعی ایران، آمریکایی ها را به سوی خود جذب کرد و جایگاه ویژه ای را در خطمشی ها و دکترین های امنیتی آمریکایی ها پیدا نمود. در این مقاله خطمشی ها و دکترین های پنج رئیس جمهور آمریکا از پس از جنگ جهانی دوم تا پیروزی انقلاب اسلامی (ترومن، آیزنهاور، کندی، نیکسون و کارتر) را مورد ارزیابی قرار می دهیم.

## 1. ترومن

هاری ترومن، از حزب دمکرات آمریکا، بین سال های 1945 تا 1953 رئیس جمهور بود. دست یابی آمریکا به بمب اتم این تصور را در آن کشور دامن زده بود که آمریکا قادر است با داشتن این بمب همه مسائل خارجی خود را به سادگی حل کند، اما آمریکایی ها به زودی به عدم کارایی این عامل در شرایط پس از جنگ پی بردند. خطر احتمالی سقوط دولت دست راستی یونان به دامن کمونیست ها، مشکلات ترکیه و خطر تسلط شوروی بر تنگه داردانل و بیرون رفتن روس ها از ایران، زنگ های خطر را در آمریکا به صدا درآورد.

هرچند نیروهای روسی بالاخره در سال 1325 ش / 1946 م. خاک ایران را ترک کردند، اما خطر گسترش نفوذ کمونیسم و شوروی در کشورهای پیرامون این کشور و این دیدگاه آمریکایی ها که شوروی مانند هیتلر در فکر سلطه بر جهان است و باید مسیرهای توسعه طلبی او سد گردد، منجر به تدوین و اعلام دکترین ترومن در مارس 1947 در مجلس نمایندگان آمریکا شد.

براساس این دکترین، هر زمان و هر جا که يك دولت ضد کمونیست از طرق مختلف، مانند شوراندن یاغیان بومی، دخالت خارجی و یا حتی فشار دیپلماتیک مورد تهدید قرار گیرد، آمریکا با کمک های اقتصادی، سیاسی و مهم تر از همه نظامی از آن دولت حمایت خواهد کرد. بدین ترتیب دکترین ترومن راه را بر هر انقلابی می بست. ترومن معتقد بود که کمونیسم در شرایط فقر رشد می کند و روش مقابله با آن اعطای کمک های اقتصادی است. وی توانست حمایت کنگره آمریکا را برای تصویب کمک ها به دست آورد. 5 کنگره آمریکا بعدا ایران را نیز به دلیل اهمیت در ردیف یونان و ترکیه قرار داد.

همچنین در ژوئیه 1947 / 1326 ش، جورج کنان، مسوول ستاد سیاست گذاری وزارت خارجه آمریکا، در مجله فارین افیرز 6 با نام مستعار ایکس مقاله ای تحت عنوان ((منشأ رفتار شوروی)) نوشت که به زودی به صورت بیانیه نیمه رسمی سیاست خارجی آمریکا درآمد و در نهایت در سیاست سد نفوذ 7 تجلی یافت. به موجب این سیاست، به تدریج چند پیمان دفاعی زنجیره ای از اروپا تا آسیای جنوب شرقی در اطراف شوروی ایجاد شد. ایران عضو پیمان سنتو بود که در زمان آیزنهاور تشکیل شد و میان پیمان های ناتو و سیتو قرار داشت.

آمریکا در چارچوب دکترین ترومن کمک ها و وام هایی با بهره های زیاد در اختیار ایران قرار می داد؛ از جمله يك وام 250 میلیون دلاری در سال 1325 برای تشکیل سازمان برنامه 8 و کمک ها و وام های نظامی به مبلغ 175 میلیون دلار بین سال های 1325 تا 1330 شمسی به ایران پرداخت کرد. 9 همچنین ایران یکی از اولین کشورهایی بود که ((اصل چهار ترومن)) در مورد آن اجرا شد. به موجب این اصل، که ترومن در سال 1949 ارائه کرد، آمریکا به کشورهای خاصی در جهان سوم از

جمله ایران کمک های فنی و مالی می کرد؛ ز این رو در ایران ((کمسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی)) تشکیل شد. اسناد موجود نشان می دهد که آمریکا بعضی از عناصر این کمسیون مانند فضل الله زاهدی، که در پست معاونت و خزانه داری مشغول بود، را در سال 1331 تحت پوشش آموزش به آمریکا برد. او همان کسی است که در 28 مرداد 1332 دست به کودتا زد. 10

کمک های آمریکا به ایران در این زمان به منظور حفظ منافع ملی و امنیتی این کشور بود، چرا که به تصور آمریکایی ها اگر ایران از دست آمریکا خارج می شد، راه ورود شوروی به خلیج فارس هموار گردیده و سراسر منطقه خلیج فارس در خطر نفوذ شوروی قرار می گرفت.

شایان ذکر است که مهم ترین عامل بازدارنده در برابر نفوذ و گسترش افکار کمونیستی در ایران، مقاومت فرهنگی مردم ما در مقابله با این افکار بوده است نه کمک های آمریکا به رژیم شاه. مارکسیسم، که با مذهب سر ستیز دارد، در کشورهایی مانند ایران با هویت دینی عمیق، نتوانست جای پای قوی باز کند.

## 2. آیزنهاور

ژنرال آیزنهاور از حزب جمهوریخواه آمریکا، به دلیل شهرتی که در زمان جنگ جهانی نوم کسب کرده بود و نیز تبلیغات مك کارتیسم مبنی بر ناتوانی ترومن برای مهار کمونیسم که ناشی از نفوذ کمونیست ها در حزب دمکرات و وزارت خارجه و سرویس های امنیتی تلقی می شد، در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر 1952 / 1331 ش. پیروز شد.

جمهوریخواهان در این زمان اعلام کردند که ناامنی شدید در آمریکا و درگیری شدید این کشور در جنگ کره نتیجه اشتباهات روزولت و ترومن درباره شوروی در کنفرانس های تهران، یالتا و پوتسدام بوده است، زیرا آنها راه توسعه کمونیسم در دوره پس از جنگ را با از دست دادن اروپای شرقی و خیانت به چیانکای چک (رئیس جمهور سابق چین پیش از روی کار آمدن کمونیست ها) هموار کردند. 11 به نظر جمهوریخواهان، سیاست حزب دمکرات در مورد همزیستی، به دلیل هزینه سنگین تسلیحات و کمک اقتصادی، اقتصاد ملی را نابود کرده است و هدف شوروی این است که آمریکا با دست خود، خود را به افلاس بکشد. آنها به مردم قول دادند که يك استراتژی دفاعی موثر (به منظور عقب راندن شوروی و تقویت دفاعی آمریکا) و يك بودجه متعادل تنظیم کنند و مالیات ها را کاهش دهند. برای این کار، به نظر آنان، بایستی جنگ کره پایان می یافت، مرز روشنی در اطراف شوروی و چین کشیده می شد. که این کار را حکومت قبلی کرده بود، ولی باید تقویت می گردید و خاورمیانه و خاور دور را نیز در بر می گرفت. و این مرز با قدرت بازدارندگی اتمی حفظ می گردید، به گونه ای که هشدار داده می شد اگر شوروی و چین از آن عبور کنند با نابودی کامل روبه رو خواهند شد.

جان فاستردالس، وزیر خارجه آیزنهاور، می گفت اگر به کمونیست های کره اخطار می شد که در صورت حمله به کره شمالی، مسکو بمباران اتمی خواهد شد، از حمله خودداری می کردند. وی تأکید می کرد که حکومت آیزنهاور این اشتباه را تکرار نخواهد کرد. 12

دالس دکتترین سد نفوذ ترومن را سیاست در جا زدن 13 خواند و گفت این سیاست، آمریکا را آن قدر در يك موقعیت ننگه می دارد که به دلیل خسته شدن انگیزه خود را برای مقابله با توطئه های بین المللی و بحران های منطقه از دست بدهد. 14 وی معتقد بود هدف آمریکا نباید همزیستی مسالمتآمیز با کمونیسم باشد، بلکه باید آن را از میان بردارد. او هرگونه رفتار مداخله گرایانه آمریکا را مشروع می دانست.

آیزنهاور و دالس از ((استراتژی تلافی گسترده)) که بر مبنای آن هر کشوری که منافع و اهداف آمریکا را در هر نقطه ای از جهان مورد تهاجم قرار می داد با هر وسیله ممکن و در هر جا که آمریکا انتخاب می کرد تنبیه می شد، پشتیبانی کردند. 15 اما در خصوص خاورمیانه، ((دکتترین آیزنهاور)) که در سال 1957 میلادی در کنگره آمریکا ارائه شد تأکید داشت که آمریکا حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس را برای امنیت خود امری حیاتی می داند و حاضر است برای حفاظت از کشورهایی که مورد تجاوز مسلحانه کمونیسم بین المللی قرار می گیرند، از نیروهای مسلح خود استفاده کند. 16

به طور کلی با اقدامات امنیتی آیزنهاور، حجم و میزان حضور و مداخله آمریکا در نقاط مختلف جهان افزایش یافت؛ اما تهدید به استفاده از سلاح اتمی علیه شوروی یا چین، با توجه به این که روس ها نیز بعدا بدان دست یافتند، کارآیی خود را از دست داد. در حالی که این کشور تا قبل از جنگ جهانی دوم هیچ گونه پیمان اتحادی با کشورهای خارج از نیم کره غربی امضا نکرده بود و همچنین فاقد پایگاه نظامی در سایر کشورها بود، اما تا سال 1959 دارای 1400 پایگاه در 31 کشور بود. 17 مداخله در ویتنام که در تمامی دهه 1960 و نیمه اول دهه 1970 نیز به طول انجامید، کودتای 28 مرداد 1332 / 1953 در ایران، کمک به شورشیان گواتمالا در 1954، گسیل ناوگان ششم آمریکا به مدیترانه شرقی در سال 1957 برای نجات ملك حسین پادشاه اردن در مقابل شورش افسران طرفدار ناصر و کمک ده میلیون دلاری به وی، توسل به زور و گسیل چهارده هزار نیرو به لبنان که به دنبال کودتای 1958 عراق در آستانه تغییرات رادیکال قرار گرفته بود و کودتا در دمینکن در سال 1962 علیه حکومت خوان بوش از جمله این مداخله ها هستند. 18

دستگاه سیاست خارجی و سرویس های امنیتی دولت آمریکا در زمان آیزنهاور بسیار بیشتر از زمان ترومن بر روی ایران تمرکز نموده و بر حفظ آن در زنجیره منافع غرب تأکید کردند. کودتا علیه دولت دکتر مصدق، ورود ایران به پیمان بغداد (بعدا سنتو)، مضای قراردادهای نظامی میان آمریکا و ایران که ورود مستشاران نظامی آمریکایی و

نفوذ آنها در ارتش ایران را به همراه داشت و تشکیل ساواک که با کمک و همکاری سازمان سیا صورت گرفت، همه موید این امر هستند.

آمریکایی ها در جریان ملی شدن صنعت نفت ابتدا برای شکستن انحصار نفتی انگلیس در ایران از ملی شدن نفت ایران حمایت کردند، اما بعدها به دلیل منافع امنیتی منطقه ای خود و نیز اطمینان یافتن از این که انگلیسی ها سهم آنها از نفت ایران را خواهند داد، در مقابل نهضت ایستادند. اعتراض آیه الله کاشانی به سیاست آمریکا در اواخر دوره ترومن در این زمینه گویاست:

ما نمی خواهیم حکومت های خارجی در امور داخلی ما دخالت کنند ... آمریکا باید پیروی از سیاست انگلیس را کنار بگذارد. از این کار چیزی جز نفرت مردم دنیا به طور اعم و مردم ایران به طور اخص نصیبش نخواهد شد. 19

دو هفته بعد از روی کار آمدن آیزنهاور، چند مقام بلند پایه آمریکایی و انگلیسی طرحی با نام ((رمز آژاکس))، 20 که رهبری آن با کرومیت روزولت بود را تهیه کردند و سازمان سیا و اینتلیجنت سرویس انگلستان برای اجرای کودتا دست به کار شدند. 21 بدین ترتیب، روزولت در پانزده تیر 1332 با نام مستعار جیمزاف لاکریج مخفیانه از مرز عراق وارد ایران شد. در ده مرداد نیز ژنرال شوارتسکف، که قبلا يك مستشار نظامی آمریکا در ژاندارمری ایران بود، وارد تهران شد. آنها در 28 مرداد با همکاری عوامل داخلی دست به کودتا زدند. پس از کودتا، آیزنهاور پیام تبریکی به محمدرضا شاه فرستاد و به سرعت به تقویت نظامی، سیاسی و اقتصادی دولت زاهدی پرداخت.

استراتژی نگاه نو آیزنهاور، که در نوامبر 1953 / 1332 ش. تدوین شد، تأکید زیادی بر کشورهای پیرامون شوروی از جمله ایران داشت. از دیدگاه آمریکایی ها، جایگاه ایران در خط شمالی خاورمیانه، موقعیت این کشور را برای دفاع از این منطقه و دفاع مقدم از منطقه مدیترانه و به عنوان پایگاهی برای حمله هوایی یا زمینی به درون شوروی حیاتی می ساخت. منابع نفت ایران و دیگر کشورهای خلیج فارس برای بازسازی اروپای غربی و برای توانا ساختن غرب جهت دوام آوردن در يك جنگ طولانی نقش حیاتی داشتند؛ بنابراین حکومت آیزنهاور ایران را دارای اهمیت تعیین کننده برای امنیت ملی آمریکا خواند. 22

تلاش آمریکا برای سهم شدن در نفت ایران با قرارداد پیچ - امینی 23 در 28 شهریور 1333، که بین دولت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت در تهران امضا شد، به ثمر نشست. براساس این قرارداد، 40 درصد از سهام به شرکت های انگلیسی، 40 درصد به شرکت های آمریکایی، 40 درصد به شرکت رویال داچ شل (هلندی - انگلیسی) و 20 درصد به شرکت نفت فرانسه داده شد. اما دولت ایران تلاش کرد این بخشش منابع ملی را يك پیروزی و حتی گذاردن کلاه بر سر آمریکا و انگلیس بخواند. زاهدی، نخست وزیر کودتا، در جلسه مشترك هیأت دولت و روسای دو مجلس به طور مضحکی از قرارداد دفاع کرد و گفت:

در واقع ما سر انگلیس و آمریکا کلاه گذاشته ایم، زیرا تا هفت هشت سال دیگر نیروی اتم جای نفت را می گیرد و ذخایر نفت ایران بی مصرف می ماند و بنابراین در این ده ساله هرچه از کنسرسیون بگیریم وجهی بازیافتی است. 24

از سوی دیگر، در فوریه 1955 / بهمن 1344، پیمان بغداد تحت عنوان قرارداد همکاری عراق و ترکیه با حمایت آمریکا و انگلیس امضا شد. به زودی پاکستان و سپس ایران نیز بدان پیوستند. این پیمان پس از وقوع کودتای سال 1958 در عراق و خروج این کشور از آن به پیمان مرکزی یا سنتو تغییر نام داد.

کودتای 28 مرداد، عقد قرارداد با کنسرسیون نفتی، عضویت ایران در پیمان بغداد، قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی و قانون بانکداری مصوب 1334 که براساس آنها دولت ایران امتیازات بی سابقه ای به سرمایه داران خارجی می داد، باعث گسترش شدید روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و آمریکا شد. ملاقات ها و رفت و آمدهای زیاد مقامات دو کشور در دوره آیزنهاور از شواهد این گسترش رابطه بود.

25 سپس کودتای عراق و نزدیکی این کشور به شوروی وابستگی شاه به آمریکا را بیشتر کرد و بر تعداد مستشاران و مأموران سازمان سیا در ایران افزود. 26

بجاست که این قسمت را با ذکر تأکید صریح آیزنهاور درباره اهمیت ایران به پایان ببریم. وی در 23 آذر 1338 طی اقامت شش ساعته خود در ایران، سه بار (یک بار در فرودگاه، یک بار در مجلس و یک بار در اعلامیه صادره در پایان دیدارش) بر نقش استراتژیک ایران در حفظ ثبات منطقه و ضرورت همکاری و همزیستی دو کشور تأکید کرد. جلوگیری از گسترش و نفوذ شوروی، دست یابی به ذخایر نفت منطقه و ایران و امنیت رژیم صهیونیستی سه هدف عمده آمریکا از بسط روابط با ایران بود.

### 3. کندی

جان اف. کندی، از حزب دمکرات آمریکا، از ژانویه 1961 تا نوامبر 1963 رئیس جمهور این کشور بود که در این سال ترور شد و جایش را به لیندون جانسن داد. به نظر وی، هرچند آیزنهاور و جمهوریخواهان در برابر شوروی خصومت آشتی ناپذیر نشان می دادند، اما در عمل محتاط و محدود بودند و به اندازه کافی تهاجمی عمل نمی کردند. 27 با پیروزی انقلاب کوبا (1959)، کمونیسم تا حیات خلوت آمریکا یعنی آمریکای لاتین نیز پیشروی کرده بود.

در خطمشی های کندی تأکید بر اصلاحات از بالا و پشتیبانی از آن از راه استفاده از نیروهای نظامی برای جلوگیری از وقوع انقلاب در جهان سوم و مسابقه تسلیحاتی گسترده با اتحاد شوروی دیده می شد. وی در می 1961 برای ترسیم چهره بهتری از آمریکا در نزد جهانیان و بیان دکترین خود طی پیامی به کنگره این کشور گفت:

پیمان های نظامی نمی تواند به کشورهایی که بی عدالتی اجتماعی و هرج و مرج اقتصادی راه خرابکاری را در آنها باز کرده کمک نماید. آمریکا نمی تواند به مشکلات

کشورهای کم رشد فقط از نظر نظامی توجه کند. این امر خاصه در مورد کشورهای کم توسعه یافته، که به میدان بزرگ مبارزه تبدیل شده اند، صادق است ... هیچ مقدار اسلحه و قشونی نمی تواند به رژیم هایی که نمی خواهند یا نمی توانند اصلاحات اجتماعی کنند ثبات و استواری ببخشد. 28

کانون اصلی برنامه کندی طرح ((اتحاد برای پیشرفت)) و شروع آن از آمریکای لاتین بود. این منطقه در سال 1959 شاهد روی کار آمدن فیدل کاسترو در کوبا بود. 29 ایران نیز در فهرست کشورهای قرار داشت که باید اصلاحات موردنظر آمریکا را اجرا می کرد. کندی در دکتترین خود از مشاور امنیتی اش والت ویتمن روستو و نظریه توسعه خاص او الهام می گرفت. روستو در کتاب خود این جملات را آورده بود: ((هم اکنون که این رساله را در دست تالیف دارم نه به آمریکا، بلکه به جاکارتا، رانگون، دهلی نو، کراچی، تهران، بغداد و قاهره می اندیشم)). 30 نتیجه يك بررسی سیا در پایان سال 1958 این بود که اگر محمدرضا شاه دست به اصلاحات نزنند ظرف یکی دو سال سقوط خواهد کرد. 31 مصاحبه والتر لیپمن، روزنامه نگار آمریکایی، با خروشچف رهبر شوروی نیز بر نگرانی مقامات آمریکایی افزود؛ خروشچف در این مصاحبه گفت رژیم ایران مثل يك سیب رسیده است و ما منتظر افتادن آن در دامان خود هستیم. 32 به طور کلی در اوایل دهه 1960 در آمریکا این نگرانی پدید آمده بود که به زودی در ایران اتفاقات ناگواری خواهد افتاد. بنابراین هشدارها و پیشنهادهای متفاوتی برای آغاز اصلاحات در ایران از سوی مقامات آمریکایی ابراز می شد. 33

اما محمدرضا شاه در ابتدا در مقابل درخواست آمریکا برای انجام اصلاحات ایستادگی می کرد. او معتقد بود که با قدرت پلیس و سازمان اطلاعاتی می توان هر حرکتی را از بین برد. وی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با ارسال کمک های مالی قابل توجهی به صندوق انتخاباتی نیکسون (رقیب کندی) از او حمایت کرده بود. 34 سرانجام اصرار کندی باعث شد که دکتر علی امینی، که به طرفداری از آمریکا شهرت داشت، به نخست وزیری معرفی شود. از آن پس، رفت و آمدهای زیادی بین مقامات دو کشور درخصوص ادامه اصلاحات صورت می گرفت. از جمله در فروردین 1341 شاه به آمریکا سفر کرد. آمریکایی ها که از همراهی محمدرضا شاه با آنها در اجرای اصلاحات راضی به نظر می رسیدند، دست او را در انتخاب نخست وزیر باز گذاردند و او یار مطمئن خود اسدالله علم را به نخست وزیری برگزید. شاه از این می ترسید که آمریکایی ها از طریق امینی به فکر تغییر او بیفتند. بدین ترتیب، اجرای اصلاحات ارضی، تدوین لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و طرح و اجرای اصول ((انقلاب سفید)) به دنبال درخواست آمریکایی ها انجام شد.

بعد از ترور کندی، جانشین او جانسن نیز به موضوع اهمیت ایران در کسب منافع ملی و امنیتی آمریکا توجه زیادی داشت. احیای کاپیتولاسیون (مصونیت نظامیان آمریکایی مقیم ایران و خانواده هایشان) که با واکنش شدید امام خمینی(ره) مواجه شد و

باعث تبعید طولانی مدت ایشان گردید، در همین زمان (1343) صورت گرفت.

#### 4. نیکسون

ریچارد نیکسون از حزب جمهوریخواه از سال 1969 تا 1974 رئیس جمهور آمریکا بود و در این سال به دنبال رسوایی واترگیت استعفا داد. قبل از به قدرت رسیدن او تحولات بین المللی مهمی اتفاق افتاده بود. این تحولات تغییر عمده ای را در استراتژی امنیتی آمریکا به دنبال داشت. از جمله این تحولات، درگیری و شکست آمریکا در جنگ ویتنام و نارضایتی مردم آمریکا از شرکت آمریکا در آن جنگ، پیروزیهای بزرگ نهضت های رهایی بخش در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، دست یابی شوروی به بمب اتمی و تصمیم انگلیس به خروج از شرق سوئز تا 1971 بود. به علاوه، مجتمع های نظامی صنعتی آمریکا برای فراهم آوردن زمینه صدور تسلیحات به دولت فشار مآوردند. یکی از مهم ترین این موارد شکست آمریکا در جنگ ویتنام بود.

نیکسون در 22 ژوئیه 1969 در راه سفر به فیلیپین در جزیره گوام دکترین خود را اعلام کرد:

گمان می کنم وقت آن رسیده باشد که ایالات متحده در زمینه مناسباتش با کشورهای آسیایی به دو نکته توجه کند: اولاً، ما به همه تعهدات قراردادی خود احترام خواهیم گذاشت؛ ثانیاً، تا جایی که مربوط به مسائل امنیت داخلی و مسائل دفاع نظامی باشد. صرف نظر از تهدید از جانب يك دولت بزرگ که مسلماً منجر به توسل به سلاح هسته ای خواهد شد - دولت آمریکا ملل آسیایی را تشویق می کند که مسائل امنیت داخلی و دفاعی را بین خودشان حل و فصل کنند و انتظار دارد خودشان مسوولیت را به عهده بگیرند.<sup>35</sup>

نیکسون پس از آن در سخنان دیگر خود نیز می گفت که آمریکا به کشورهای دیگر کمک خواهد کرد تا قادر باشند از خودشان دفاع کنند.<sup>36</sup> براساس دکترین جدید، آمریکا دیگر در جنگ های محدود در اطراف شوروی مانند جنگ ویتنام شرکت نمی کرد و مسوولیت دفاع را به خود کشورها واگذار می کرد و بدین منظور آنها را به انواع سلاح های پیشرفته غیر اتمی مجهز می کرد. بدین ترتیب هم باعث رونق کارخانه های اسلحه سازی آمریکا می شد و هم از بدنامی شکست در جنگ ها و نیز از تلفات انسانی و مادی دور می ماند.

در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، نیکسون و کیسینجر، وزیر خارجه اش، برای دفاع از منافع ملی و امنیتی آمریکا روی رژیم شاه در ایران دست گذاشتند و او را به صورت ژاندارم آمریکا درآوردند؛ البته ایران به عنوان ستون نظامی و عربستان سعودی به عنوان ستون مالی استراتژی نیکسون در منطقه در نظر گرفته شدند. تعدادی از علل مربوط به انتخاب ایران به عنوان ستون نظامی ((استراتژی دو ستونی)) عبارت بودند از:



- 1 - مرزهای طولانی ایران و شوروی؛
  - 2 - عضویت ایران در سنتو که حلقه میانی پیمان های دفاعی زنجیره ای غرب در اطراف شوروی بود؛
  - 3 - موقعیت جغرافیایی ایران که بر سراسر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز تسلط داشت؛
  - 4 - جمعیت زیاد ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه (به طوری که از 55 میلیون جمعیت منطقه حدود 35 میلیون نفر در ایران بودند)؛
  - 5 - رژیم شاه تنها متحد مورد اعتماد اسرائیل در منطقه بود؛
  - 6 - خصوصیات شخصی بلندپروازانه محمدرضا شاه.
- بدین ترتیب، نیکسون تسلیح بدون محدودیت ایران را اعلام کرد. سپس افزایش بهای بین المللی نفت، که به دنبال بستن شیرهای نفت از سوی اعراب در جنگ 1973 اعراب و اسرائیل رخ داد، دست شاه را برای خرید تسلیحات لازم باز گذارد. بدین گونه، تا اواسط دهه 1350 شمسی، ایران به بزرگ ترین خریدار اسلحه آمریکایی، از جمله هواپیماهای پیشرفته، تبدیل شد. مخارج نظامی ایران از 241 میلیون دلار در سال 1946 به 3680 میلیون دلار در سال 1974 رسید و در سال های بعد به مراتب افزایش یافت.
- در حالی که در دهه 1340 شمسی ایران یکی از حلقه های زنجیره دفاعی آمریکا بود، که باید مواظبش بود تا از دست نرود، در دهه 1350 به گونه ای تقویت شد که بتواند به جای حضور مستقیم آمریکا، منافع منطقه ای این کشور را تأمین کند.
- مهم ترین آزمایش محمدرضا شاه در ایفای نقش ژاندارمی آمریکا در منطقه، سرکوبی شورشیان ظفار در عمان بود. به علاوه شاه به نیابت از آمریکا به تعدادی دیگر از دولت ها در خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب شبه جزیره عربستان کمک کرد؛ از جمله کمک به اردن، اتیوپی، سومالی و سلطنت طلبان یمن شمالی.

## 5. کارتر

جیمی کارتر از حزب دمکرات آخرین رئیس جمهور آمریکا تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود. کارتر برای ایجاد چهره ای مثبت از آمریکا و زدودن آثار مداخلات این کشور در جهان و تقویت و ایجاد ثبات در کشورهای وابسته به آمریکا با ایده ((حقوق بشر)) پا به میدان گذاشت؛ البته به گفته نیکی کدی، آمریکا در زمان او هیچ گاه به طور جدی تهدید نکرد که اگر محمدرضا شاه حقوق بشر را رعایت نکند تنبیه و تحریم تسلیحاتی و غیره خواهد شد؛ هرچند شاه تا حدی ترسیده و به صورت کنترل شده و گزینشی گام هایی در ایجاد فضای باز برداشت. در زمان کارتر قراردادهای جدیدی در زمینه خریدهای تسلیحاتی بین ایران و آمریکا امضا شد.

کارتر نیز همانند روسای جمهور پیشین به اهمیت ایران تأکید می کرد. وی در دی ماه

1356 در سفر به تهران، ایران را ((جزیره ثبات در یکی از پرآشوب ترین نقاط دنیا)) خواند و گفت در مسائل مربوط به امنیت نظامی، دیدگاه های ما با هیچ کشوری به اندازه ایران نزدیک نیست. 37

در زمان وقوع انقلاب اسلامی هر دو گروه کاخ سفید . یعنی گروه سایر وس ونس وزیر خارجه که سیاست های ملایم را تجویز می کرد و گروه برژنیسکی مشاور امنیت ملی کارتر که ایستادگی و برخورد قاطع با انقلابیان را تأکید می کرد - بر منافع ملی و امنیتی آمریکا نظر داشتند و توصیه های خود را با هدف حفظ ایران در دستان آمریکا ارائه می دادند.

### ناکامی آمریکا در جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی

آمریکا به دلایل متعدد نتوانست از پیروزی انقلاب اسلامی جلوگیری کند. تحلیلگران علل شکست آمریکا را ضعف اطلاعاتی سیا درباره ایران، درگیری آمریکا در مسأله کمپ دیوید، سیاست حقوق بشر کارتر و غیره دانسته اند؛ اما به نظر نگارنده مهم ترین عامل شکست آمریکا را باید در نوع خاص انقلابی که در ایران رخ داد جست وجو کرد. انقلاب هایی که تا اواسط دهه 1970 اتفاق می افتادند همگی دارای ایدئولوژیهای ناسیونالیستی یا مارکسیستی و به قول هانا آرنست (در کتاب انقلاب) دنیوی بودند. آمریکایی ها بر این اعتقاد بودند که ساواک می تواند همه مخالفان ناسیونالیست یا مارکسیست را جارو کند؛ اما ماهیت دینی انقلاب اسلامی و روش های خاصی که در رهبری و سازماندهی آن به کار رفت باعث شد اکثریت قریب به اتفاق مردم وارد صحنه شده و با شرکت در اعتصابات و تظاهرات خیابانی به انقلاب سرعتی خیره کننده بخشند و هرگونه ابتکار عملی را از آمریکا سلب کنند. به گونه ای که در پایان، آمریکا به میانه روها در دولت موقت دل خوش کرد، اما سقوط آنها نیز امید آمریکایی ها را تبدیل به یأس کرد.

### پی نوشت ها

1. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

2. iain mclean (editor), Oxford concise Dictionary of politics (New York: Oxford university press, 1996) P. 332.

3. امروزه ایران حدود 110 میلیارد شبکه ذخیره نفتی دارد که 10/4 درصد از نفت جهان و 4/14 درصد از نفت منطقه است. به علاوه ایران با داشتن حدود پانزده درصد از ذخایر گاز جهان دومین دارنده منابع گاز پس از روسیه در جهان است. ر . ک: هوشنگ امیراحمدی، ((جایگاه استراتژیک ایران در بازار جهانی نفت))، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش 98 - 97، ص 83 - 82 و پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس (تهران: 1372) ص 53 و

- محمدرضا حافظنیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز (تهران: سمت، 1371) ص 105.
4. در مورد علت تخلیه خاک ایران توسط روس ها دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. ارتشبد فردوست در خاطرات خود نوشته است که نماینده آمریکا در سازمان ملل به شوروی اولتیماتوم داد که اگر تا تاریخ معینی نیروهایش را از ایران خارج نکند جنگ جهانی سوم رخ خواهد داد و در این جنگ، فاتح آمریکا است که خستگی جنگ دوم را احساس نکرده، حال آن که شوروی خستگی را بیش از همه احساس نموده است. ((حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، 2 ج (تهران: انتشارات اطلاعات، 1370) ج 2، ص 149)). اما جیمز بیل نویسنده آمریکایی معتقد است چنین اولتیماتومی هرگز وجود نداشته است. تلگراف های آمریکا به شوروی تنها نگرانی آمریکا از اهداف شوروی در ایران را بیان می کرد. ((جیمز بیل، شیر و عقاب، ترجمه مهوش غلامی (تهران: کوبه، 1371)، ص 64)). در این زمینه برخی از نویسندگان به اقدامات قوام در نزدیکی ظاهری به شوروی، آوردن توده آنها به هیأت دولت و وعده دادن نفت شمال به روس ها توسط او که مجلس آن را تصویب نکرد، تأکید کرده اند.
5. استیفن امبروز، روند سلطه گری، ترجمه احمد تابنده (تهران: چاپخش، 1356)، ص 138.
- 139.

## 6. Foreign Affairs

### 7. Containment Policy

8. حسین فردوست، پیشین، ص 275.
9. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران؛ دولت دست نشانده (تهران: قومس، 1376) ص 180.
10. حسین فردوست، پیشین، ص 258.
11. عبدالرحمن عالم، سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم (جزوه درسی) - (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، 1367)، ص 47 . 48.
12. همان، ص 48 . 50.

### 13. Tread mill policy

- 14- ابراهیم متقی، تحولات سیاست خارجی آمریکا، مداخله گرایی و گسترش 1945 - 1997 (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1376) ص 55 . 56.
- 15- همان، ص 57.
- 16- ر . ك: عبدالرحمن عالم، پیشین، ص 57 - 58؛ ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین وفسی نژاد (تهران: طرح نو، 1371) ص 257.
- 17- ابراهیم متقی، پیشین، ص 58.
- 18- ر . ك: عبدالرحمن عالم، پیشین، ص 58 - 59 و ابراهیم متقی، پیشین، ص 60 و استیفن امبروز، پیشین، ص 234 و ناصرالدین نشاشیبی، در خاورمیانه چه گذشته، ترجمه محمدحسین

- روحانی (تهران: توس، 1367) ص 351.
- 19- جیمز بیل، پیشین، ص 134.
- Ajax\_20.
- 21- علیرضا ازغندی، پیشین، ص 237.
- 22- مارک. ج. گازیروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون کاظمی (تهران: نشر مرکز، 1371) ص 164 . 166.
23. امینی وزیر دارایی کابینه زاهدی و هوارد پیچ رئیس گروهی بود که نمایندگی کمپانی های نفتی را برعهده داشت.
- 24- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران (قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1361) ج 1، ص 310.
- 25- سه ماه پس از کودتای 28 مرداد، ریچارد نیکسون، معاون رئیس جمهوری آمریکا به ایران سفر کرد. يك سال بعد محمدرضا و همسرش با يك هیأت پنجاه نفره از مقامات سیاسی و اقتصادی به آمریکا رفته با اکثر مقامات آن کشور از جمله آیزنهاور ملاقات کردند. رفت و آمدهای نمایندگان مجلس ایران و کنگره آمریکا هم به کشورهای یکدیگر صورت می گرفت. شاه بار دیگر در خرداد 1377 به آمریکا سفر کرد. همچنین آیزنهاور در 23 آذر 1338 (14 دسامبر 1959) به ایران سفر کرد.
- 26- علیرضا ازغندی، پیشین، ص 376 . 377.
- 27- استیفن آمیروز، پیشین، ص 254.
- 28- سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص 120.
- 29- جیمز بیل، پیشین، ص 161؛ باری روبین، جنگ قدرت در ایران، ترجمه محمود مشرفی (تهران: آشتیانی، 1363) ص 9.
30. حسین فردوست، پیشین، ص 304.
- 31- گاز یوروسکی، پیشین، ص 169 . 170.
- 32- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (تهران: امیرکبیر 1368) ص 160.
- 33- جیمز بیل، پیشین، ص 185 . 189.
- 34- محمود طلوعی، پدر و پسر؛ ناگفته ها از زندگی و روزگار پهلویها (بی جا: علم، بی تا) ص 817.
- 35- آندره فونتن، يك بستر و دو رویا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: نشر نو، 1362) ص 174.
- 36- هنری کیسینجر، سیاست خارجی آمریکا، ترجمه حسن محمدنژاد (تهران: دانشگاه تهران، 1355) ص 5 . 7.
- 37- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، 1300 - 1357 (تهران: البرز، 1374) ص 468 . 469.